



سید

وختگاه این فریاد ایران

با کتبه پیرشاهنامه فردوسی

چکیده

آنچه شاهنامه سستگ فردوسی را از سایر آثار برجسته ادبی متمایز می‌کند، گستره تفکر و اندیشه این شاعر نامدار در حوزه فرهنگ ایرانی است. دامنه این گستردگی را می‌توان در دو مؤلفه ایرانی و اسلامی جست‌وجو کرد. شاهنامه در نهاد خود به مفاهیمی پرداخته که همواره جزء نیازهای اصلی بشر و ضرورت‌های کتمان‌ناپذیر زندگی انسانی است و بدون تحقق آنها زندگی دچار انحراف یا انحطاط می‌شود. نصایح و مواظب در تار و پود این مفاهیم تنیده شده‌اند و درخور تأمل و واکاوی هستند. گرچه اندر زهای فردوسی در شاهنامه در نگرش کلی خاستگاه زرتشتی و اسلامی دارد و مشتمل بر حوزه‌های اخلاقی و اجتماعی و حتی سیاسی است. عمده این اندر زها حول چهار محور خرد، فرهنگ، گوهر و هنر خود را به خواننده خوش ذوق و فهیم می‌نمایانند. البته تشخیص تقدم یا تاخر و احیاناً رجحان و برتری هر یک از این مقوله‌ها در شاهنامه فردوسی به آسانی میسر نیست. این مفاهیم به گونه‌ای درهم آمیخته‌اند که تفکیک آنها اندکی دشوار به نظر می‌رسد و به روشنی نمی‌توان تصریح کرد که فردوسی کدام یک از مؤلفه‌ها را بر سایرین ترجیح می‌دهد. به نظر می‌سد که خردورزی و فرهنگ‌پروری و گوهراندیشی و هنرگرایی با شخصیت و منش استاد طوس عجین شده‌اند و فقدان هر یک در فرایند زندگی بشر تبعات ناگواری دارد. با وجود این، نگارنده با تأمل و تعمق بیشتر در متن شاهنامه دریافته است که خردگرایی سهم بیشتری را در ذهن شاعر به خود اختصاص داده است. او همواره انسان را به پایبندی به عقل و خرد اندرز می‌دهد و خاستگاه همه آنها را ایزدی می‌داند.

کلید واژه‌ها: پند، خرد، شاهنامه، فرهنگ، گوهر، هنر.

زینب غلام‌پور

آهنگر کلایی

کارشناس ارشد زبان

و ادب فارسی و دبیر

دبیرستان‌های بابل

دانشمندی جهان‌دیده و پرتجربه و چون فیلسوفی بخرد و سنجیده و مهربان و انسان‌دوست، زبان به اندرز و راهنمایی مردم گشوده و حاصل تجربه‌های خود را عرضه داشته و شاید هم با سرودن اشعار اندرزی خواسته است گاهی یکنواختی شعرهای رزمی خود را تغییر دهد.» (صفایی، ۱۳۴۹: ۱۴۸)

منشأ پندهای فردوسی را می‌توان از چند لحاظ بررسی کرد: الف. ذات و فطرت باطنی خود فردوسی به‌عنوان چهره اصلی پنددهنده

ب. تأثیر مسائل سیاسی و اجتماعی و تعدد مذاهب و نزاع‌های دینی، میان پیروان آن‌ها.

پ. وجود آیین‌های زرتشتی، زروانی و اسلامی

ت. وجود اندرزنامه‌ها و کتاب‌های اخلاقی پیش از فردوسی.

پندهای فردوسی در حوزه فرهنگ

شاهنامه به منزله آینه تمام‌نمای آرمان‌ها، پندارها و رسم‌های زندگی و فرهنگ ملت باستانی ایران است و با بیان سنت‌ها، جایگاه رفیع فرهنگ ایرانی را غنای بیشتر بخشیده است.

فردوسی با تأثیرگذاری مضاعف بر شکل‌گیری فرهنگ‌ها و سنت‌ها و با تبیین جلوه‌های فرهنگی آنها، باعث ترویج اصولی فرهنگ شده و آیندگان را نیز به پاس داشت آن فرا خوانده است: «فردوسی به سرزمین و نیاکان خویش بسیار عشق داشته، چنانکه این خیال بر احساسات مذهبی او فایق آمده و همه‌جا وطن پرستی‌اش بر مذهب فرونی می‌گیرد.» (فرزنانفر، ۱۳۶۹: ۱۴۹). شاهنامه به‌عنوان بزرگ‌ترین میراث ملی و فرهنگی ایرانیان، از دوره ساسانیان همواره مورد توجه کسانی است که به هویت فرهنگی ایران عشق می‌ورزند و گمشده ملی و تاریخی خود را در آن جست‌وجو می‌کنند.

فردوسی با قدرت طبع خود با سادگی و شیوایی کلام بر اعتبار فرهنگ ایرانی صحه گذاشته و چیزهایی را که نشان از انسان دوستی داشته‌اند، با تأسی به فرمان زرتشت (پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک) به‌عنوان پند و اندرز برای همه روزگاران به یادگار گذاشته است. او با تأکید بر خرد، از فرهنگ، گوهر و هنر- که برگرفته از فرهنگ اصیل انسانی است- بهره می‌برد و این‌گونه می‌سراید:

یکی داستان زد بر او پیلتن

که هر کس که سر بر کشد ز انجمن

هنر باید و گوهر نامدار

خرد یار و فرهنگش آموزگار

چو این چار گوهر به‌جای آوری

به مردی جهان زیر پای آوری

در بررسی اجمالی آثار اندیشمندان و شاعران می‌توان دریافت که قصدشان از نگاشتن و سرودن پند و اندرز در آثار خود، نه تظاهر به علم و فخر فروشی بوده، بلکه هر یک خواسته‌اند تا آنچه را دست‌مایه تجربه گذشتگان است، با خلق اثر خویش، برای آیندگان یادگاری پندآموز به‌جا گذارند. از جمله این شخصیت‌ها که نقش زیادی در حفظ و زنده نگه‌داشتن فرهنگ و هویت ایرانی داشته، حکیم فردوسی است. او توانسته با خلق یک اثر بی‌بدیل حماسی، در لابه‌لای جنگ و ستیز قهرمانان و پهلوانان مدعی خوبی و نیکی در سرزمین نور، تاریخ ایران و هویت ایرانی را در آموزه‌های اخلاقی و سخنان پندآمیز خویش جای دهد و به انسان‌های همه دوران‌ها درس نیکی، عدالت، آزادی، انسانیت و هشدار، پرهیز از زشتی و کژ رفتاری و فرجام بدسگالی را بیاموزد.

کلام فردوسی از اندرزهای ایرانی مشحون است. او با سخنان نغز و سنجیده خویش هویت فرهنگی و ارزش‌های میهنی ایرانیان را بیان می‌کند. ایرانیانی که در اوج خفت از هر سو- چه از طرف اعراب و چه از طرف ترکان- بر سر به‌دست آوردن منافع حکومتی مورد تاخت و تاز قرار داشتند. فردوسی برای زنده کردن روح خفته ایرانیان در مرداب حوادث سیاسی، اجتماعی عصر خود، دست به این کار عظیم فرهنگی زد و با بیان اصول اولیه انسانی در چهار مؤلفه اخلاقی مسیر کمال انسانی را به انسان‌ها نه در عصر خویش بلکه در همه اعصار نشان داد. با این حال، حکیم توس تنها منادی پروراندن فرهنگ ایرانی نیست بلکه نویسندگان و شاعران دیگری نیز در این جهت گام برداشته‌اند که فردوسی خود را مدیون مجاهدت‌های آنها نیز می‌داند.

پند و خاستگاه آن در شاهنامه

شاهنامه بزرگ‌ترین اثر ادبی به‌جا مانده از عصر سامانی و غزنوی و یکی از آثار سترگ ادب حماسی سرزمین ماست که اساطیر کهن ایرانی و داستان پیروزی‌ها، شکست‌ها، شکوه قدرت‌ها و زوال حکومت‌هاست در جای‌جای آن نمود یافته است.

با تأمل و واکاوی این اثر جاودان، که در بطن هر بیتش دنیایی از اندیشه و تفکر نهفته است، می‌توان به عمق اندیشه‌های فردوسی دست یافت. تفکراتی که از حکمت فردوسی سرچشمه گرفته‌اند و نتیجه آنها سعادت و پیروزی بشر در همه زمینه‌ها، به‌خصوص در زمینه هویت فرهنگی و ارزش‌های ملی است. حکیم طوس در آثارش، هیچ‌گاه رسالت تربیتی ارشادی و اخلاقی خود را به‌عنوان یک شاعر بلندمرتبه فراموش نکرده است: «اندرزهای شاهنامه گواهی می‌دهد که فردوسی دنیای خود را به‌خوبی شناخته و در عمر دراز خویش، تجربه‌های بسیار اندوخته و گاه‌گاه چون

منظور فردوسی
از خرد، نیروی
پژوهش و استدلال
و ژرفنگری در
کارهاست. او خرد
را ترازوی هرگونه
گرایش و اندیشه
می‌داند و مکتب
عقلی را استوارتر و
منطقی‌تر از مکاتب
دیگر برمی‌شمرد

بزرگان و صاحبان قدرت تنها با تکیه بر قابلیت‌های فردی شایسته مقام و منزلت نشده‌اند و خواسته و ناخواسته از هر کدام از این مؤلفه‌ها به نوعی بهره گرفته‌اند. از این‌رو، فردوسی همه را به بهره‌وری از آنها فرا می‌خواند و تنها به داشتن نژاد یا گوهر اکتفا نمی‌کند بلکه کامل شدن انسان را منوط به برخورداری از همه آنها می‌داند. اغلب پندهای فردوسی، از زبان خود او یا پهلوانان و پادشاهان، حول این چهار مقوله می‌گردد و آن را به‌عنوان راهکار اساسی اصول مهم انسانیت می‌داند.

تلاش نگارنده در این مقاله بر آن است تا جوانب این چهار بهره را که از راهکارهای فردوسی در رسیدن به زندگی آرمانی است و به‌صورت پند ارائه شده، بررسی کند.

الف: خرد در شاهنامه

از جمله نکاتی که ذهن هر مخاطب را به خود جلب می‌کند، این است که اگرچه شاهنامه یک اثر حماسی است و سراینده آن پیرامون حماسه و جنگ به توصیف و خیال‌پردازی همراه با اغراق قلم‌فرسایی کرده است، با مراجعه به متن آن درمی‌یابیم که در پس هر بیتش دریایی از خرد و تفکر نهفته است. منظور فردوسی از خرد، نیروی پژوهش و استدلال و ژرفنگری در کارهاست. او خرد را ترازوی هرگونه گرایش و اندیشه می‌داند و مکتب عقلی را استوارتر و منطقی‌تر از مکاتب دیگر برمی‌شمرد. بزرگان دیگری چون محمد زکریای رازی نیز با این نظر فردوسی موافق بوده‌اند. «عقل حقیقت انسان است و اوست که باید راهنمای آدمی و چراغ راه زندگانی هر انسانی باشد.» (شوقی، ۱۳۵۰: ۸۵) ریشه خردگرایی و خردستایی فردوسی را می‌توان در زیستن او در روزگار خردگرایی ایرانی و اسلامی و یونانی جست‌وجو کرد. به رأی حکیم سخنور توس، نخست آفرینش، بزرگ‌ترین و استوارترین پایه نشاط آدمی و چشم و چراغ جان هر انسان «خرد» است.

مفهوم خرد آنچنان ارزشمند است که آن حکیم فرزانه، آغاز نامه باستان خویش را بدان آراسته و خرد را حد‌اعلای آفرینش و برتر از همه نیکی‌ها و خوبی‌ها دانسته است:

فزون از خرد نیست اندر جهان فروزنده که‌تران و مهان (ج: ۷: ۴۱۲)
ذکر بیش از سیصد بیت درباره خرد در شاهنامه، خود گواهی دیگر بر اهمیت آن است: «خرد ستایی شاهنامه که خود جلوه‌ای از خردگرایی است، خرد را در تلقی حکیم طوس در مفهوم عام و شامل خرد الهی (= هروی‌سپ آگاه)، خرد فطری (= اسنو خرد) و خرد مکتسب (گشان سرود خرد) نشان می‌دهد.» (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۱۲۳) که طرح آن از گرایش به آزاداندیشی در عقاید معتزله، که نزدیک به عقیده شیعه است حکایت می‌کند. فردوسی در شاهنامه خرد را هدیه‌ای ایزدی معرفی کرده است؛ زیرا به اعتقاد او خرد چون پوششی سراسر وجود انسان‌ها را دربرمی‌گیرد. او آن را موهبتی از طرف خداوند می‌داند که به انسان‌ها نسبت به سایر موجودات برتری داده است. این روحیه اعتماد به نفس و برتری‌جویی حکیم طوس است که انسان را برتر از همه موجودات دانسته و این خلعت را نصیب آدمیان کرده است:
خرد مرد را خلعت ایزدبست سزوار خلعت نگه کن که کیست (ج: ۸: ۱۳۹)

ادامه مطلب در وبگاه نشریه

